

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد طاهر - امریکا

۱۳ اکتوبر ۲۰۲۲

## جنبش زنان و طالبان

### بخش ۱۷

دولت امانی با تصویب اولین «اصول اساسی عالیہ دولت افغانستان»، به تمام اتباع افغانستان حقوق مساوی قابل شد. حق تحصیل برای تمام مردم افغانستان از طرف دولت طرح و عملی گردید. چنان که مرد حق تحصیل و کار را داشت، زن افغان نیز از چنین حقی بر خور دار شد.

ملکه ثریا و شاه امان الله بر تعلیم و تربیت نسوان بیشتر تأکید داشتند. برای اولین بار در سال ۱۹۲۰ اداره ای را به نام نظارت معارف تشکیل و پرو گرام های درسی نسوان توسط انجمنی به نام انجمن علمیه پیش برده شد، با تأسیس مکتب مستورات زنان حق تحصیل یافتند. دختران خاندان شاهی و فامیل‌های اشرافی کابل نخستین شاگردانی بودند که مکتب رفتند. بعد از مدتی کوتاه مردم عامه تقاضای افتتاح مکاتب جدید نسوان کردند، مکتب «عصمت» که بعداً به نام «لیسه ملالی» نام گذاری شد دومین مکتب نسوان، و مکتب «سه دکان» در چند اول، سومین مکتب بود که در کابل گشایش یافت. نظر به بعد فاصله دو مکتب مستورات و عصمت با هم یکجا گردیده و در گلستان سرای، با اتاق های فراوان که ظرفیت ۸۰۰ شاگرد را داشت نقل مکان یافت. لباس، غذا، چادر و کتاب از طرف دولت برای شاگردان تهیه می گردید و معلمان داخلی و خارجی در رشته های اقتصاد، خانواده، تربیت طفل ... به آموزش نسوان می پرداختند. برای یک عده بانوان در عرصه آشپزی، خیاطی و ساخت گل‌های مصنوعی نیز مکتب «صنایع انائیبه» تأسیس گردید که هدف این مکتب رهائی زنان از وابستگی اقتصادی شوهران و کمک به اقتصاد فامیل های شان بود. ناظر مکاتب نسوان، برای تشویق زنان تا به مکتب مسلکی شامل کار و درس شوند، اعلامیه ای پخش کرد که در آن به شاگردان اول، دوم و سوم جوایز (۱۰۰۰، ۷۰۰ و ۳۰۰ روپیه) و برای استخدام معلمان معاش لازم، مد نظر گرفته شده بود. دختران و خانم های زیادی با استفاده از آن اعلامیه از فامیل های شان اجازه یافتند تا برای فرا گیری درس و شغل معلمی، به اداره مکاتب نسوان درخواست بدهند.

حق کار برای زنان، نیز از جمله اصلاحات دولت امانی شمرده می شد که در قانون اساسی تصویب شده بود. شاه در سخنرانی که برای مردم قندهار بعد از سفر اروپا داشت از چشم دید های خود که زنان دوش به دوش مردان در دفاتر، کارخانه ها و فابریکه ها در کشور های اروپائی کار می کردند یاد کرد و از بیکاری و خانه نشینی زنان در افغانستان تأثر و نارضایتی خود را نشان داد. از زنان خواست تا همدوش همسران و برادران شان کار کنند. کار و زحمت

زنان سبب خواهد گردید تا معادن افغانستان استخراج، شرکت‌ها، فابریکه‌ها و کارخانه‌ها ایجاد خواهد شد و کشور افغانستان به سوی ترقی و پیشرفت پیش خواهد رفت.

زنان با روبنده و چادری نمی‌توانند کار کنند. از اینرو، قانون اساسی سلطنت امانی به زنان افغان اجازه کار در دواير دولتی را با ستر اسلامی ولی بدون چادری در نظر گرفت. ملکه ثریا در رفع حجاب، در جامعه مردسالار افغانستان سنت شکن شد. گام نخست را خود او برداشت تا سهم در کار و فعالیت اجتماعی بگیرد. ملکه به کمک مادر و خواهران و یک تعداد خانم‌های دربار برای تعدیل "چادری - دلاق" اقدام کرد تا زنان بتوانند به طور آزادانه به مکتب روند و به کار مشغول شوند. ابتکار طرح لباس برای دختران نیمه جوان، جوان و زنان مکتب، شامل پیراهن و دامن دراز تا بند پا، چادر بزرگتر (پالان فراخ نیم تنه بدون آستین که روی شانه انداخته می‌شد) با وزن کم و رنگ سیاه با روسری سیاه رنگ که موها را می‌پوشاند، جوراب‌های ضخیم به رنگ روشن و دستکش بود، خود به دست گرفت که به نام «چادری قند هاری» یاد می‌شد. این لباس مروج بعد ها به طور تدریجی با ورود مد و فیشن شکل جدیدی به خود گرفت.

آغاز تحرک جنبش زنان افغان برای رهایی از تسلط مردسالاری، فقط با قانونی شدن حقوق زن، رفع حجاب، و مشغولیت کاری در دواير دولتی با تطبیق پروگرام‌های اصلاحی دولت امانی شروع شد. زنان بیشماری از دربار، خانواده‌های رجال دولتی و از مردم شهر کابل با برداشتن روبنده، شامل مدارس و دفاتر دولتی شدند.

مربیان زن چون، مریم دختر عبدالباقی خان معلم دری و تاریخ از سرخاب میمنه، حمیرا دختر پروفیسور غلام محمد ممیمنگی، آمنه الرسول والدۀ شایق جمال معلم دری، فاطمه معلم دری، خدیجه دختر کاکای ملکه معلم خیاطی و موسیقی، عایشه (بی بی خوری) معلم قرآن مجید و دینیات، بی بی خاجو و بی بی کو معلم‌های آشپزی.

نمایندگان زن در لویه جرگه ۱۳۰۷، شاهره (شیرین جان) خانم حبیب الله طرزی، سامیه همسر محمد کبیر خان سراج، شهزاده بیگم (بی بی گل) همسر محمد حیدر خان اعتمادی، خواهر محمد نادر، حضرت بیگم (شاه کوکو) والدۀ فیض محمد زکریا، محبوب (ماه گل) همسر احمد علی خان سلیمان، حمیرا (کوکو جان) همسر محمد رفیق خان، فخری همسر محمود خان یاور، شهناز همسر امین الله خان، حبیبه (بویوگل) همسر محمد یونس خان، همسر عبدالله خان بلوکمشر، همسر محمد حسن خان تولی مشر، بویوگل والدۀ سردار بی بی همسر امین الله خان.

دخترانی که به ترکیه اعزام شدند: صالحه دختر نصرالله خان نایب السلطنه، زینب دختر عبدالحمید خان کواسه امیر شیر علی خان، خدیجه دختر میر هاشم خان وزیر مالیه، روح افزا دختر عزیزالله خان قتل، زهرا دختر دین محمد خان، هاجره دختر عبدالعزیز خان وزیر داخله، زینب دختر میرزا فیض محمد خان، زهرا دختر محمد بشیر، مریم دختر ملا داوود خان، گوهر دختر غلام علی خان، سردارو دختر ... زهرا دختر محمد سعید خان، حلیمه دختر عبدالغنی خان نواسه امیر محمد یعقوب خان.

جرقه در تاریکستان سرزمین مردسالار روشن و درب امید در دل‌های مردم گشوده شد. شاه و ملکه جوان افغانستان برای نهضت زنان تلاش ورزیدند تا بر خرافه‌های جامعه سنت‌گرا و عنعنۀ افغانستان، تحول و ترقی را بنیاد گذارند. نخست شاه امان الله گام پیش گذاشت تا ذهن عوام را روشن سازد. «سایه خدا» خلاف واعظیان دینی (ملا، شیخ، حضرت، سید و ...) که تحصیل و کار را برای زنان حرام و مباح می‌پنداشتند، حق مشروع زنان دانست و وعظ آنها را خرافات خواند.

تحصیل دانش، برداشتن روبنده (برقع)، پوشیدن لباس‌های مدرن، سهم‌گیری در اجلاس‌های دولتی و مشغولیت کاری در دواير دولتی، نخستین هسته‌های روشنگری در جهت نهضت زن در افغانستان توسط شاه امان الله و ملکه ثریا در

جامعه سنتی افغانستان بذر افشانی شد. تحولات دوره امانی تکانه ای بود برای نهضت زنان و تجدد گرائی در جامعه قبیله ئی و سنت گرای افغانستان تا مردم را تکان داده و بیدار سازد. اما اکثریت مردم افغانستان هنوز هم غرق در نشئه تریاک دین بودند و رؤیای رفتن به بهشت را در سر داشتند. بیش از یک قرن از آن تحولات سپری گردید. ریشه تاریک اندیشی، خرافات، در جامعه سنتی افغانستان، از چشمه سار دین، هنوز سیراب می گردد. فانوس روشنگری بدون فتیله و روغن سوخت، به دست « روشنفکر» خانه به دوش در پس کوچه های تاریک، هنوز خموش و بی نور است. آیا فشار های درون جامعه مردسالار سنتی و عنعنه ئی افغانستان اثری بر نهضت زنان، در دوره امانی داشت؟ در بخش ۱۸ این موضوع به بررسی خواهیم گرفت. ادامه دارد.

#### **منابع استفاده شده در این نوشتار:**

« افغانستان در مسیر تاریخ » میر غلام محمد غبار  
« زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد » داکتر سید عبدالله کاظم  
« تحلیل واقعات سیاسی افغانستان » از ۱۹۱۹-۱۹۹۶ عبدالحمید مبارز  
« رویداد لویه جرگه دارالسلطنه کابل » به قلم غلام محمد کاتب ۱۳۰۳

\*\*\*\*\*

محمد طاهر ، امریکا اکتوبر ۲۰۲۲